

## فرهنگ عزاداری عاشورا در منطقه ککرک غزنی

□ عبدالرؤف عالمی \*

### چکیده

نوشتاری که پیشرو دارید تحقیقی است در زمینه فرهنگ عزاداری عاشورا در منطقه ککرک از توابع استان (ولایت) غزنی افغانستان، و از آنجا که عاشورا میراث گرانبهای امام حسین علیه السلام برای شیعیان تاریخ و عالم انسانیت است، قدردانی از پاسداران این میراث عظیم حسینی نیز امر پسندیده و ارزشمند است. نویسنده که خود اهل ککرک زمین هستم لازم دیدم به پاس زحمات هیئت‌های عزاداری مردم منطقه ککرک در منطقه، کابل، غزنی، تهران، اصفهان، کرمان، قم، آمریکا و استرالیا در سال جاری فرهنگ عزاداری شان را با قلم قاصر خودم به تصویر بکشم، لذا تحقیق را با این پرسش اساسی که فرهنگ عزاداری عاشورا در منطقه ککرک چگونه است آغاز نموده در ادامه بعد از تبیین مفاهیم بحث و معرفی ککرک، کیفیت و مراحل عزاداری عاشورا در منطقه ککرک را مورد بحث قرار دادیم، نحوه عزاداری، تشکیلات عزاداری، تامین هزینه‌های عزاداری، زمان و مکان عزاداری و ثمرات مترتب بر عزاداری را به بحث کشیدیم و در نهایت به این نتیجه رسیدیم: که فرهنگ در جامعه مانند بحر است که انسان‌ها در درون آن زاده و در دامن آن بزرگ می‌شوند و زندگی می‌کنند، یکی از بخش‌های مهم فرهنگ در جامعه شیعی برگزاری مراسم عزاداری برای شهدا بخصوص حضرت سیدالشهدا اباعبدالله الحسین علیه السلام و یاران پاکباز آن حضرت است که در سرتاسر این کره خاکی در دو ماه محرم و صفر از طرف شیعیان جهان تجلیل می‌شود و یکی از مناطق مردم شیعه در افغانستان دره پهناور ککرک و یکی

---

\* دکتری تفسیر تطبیقی جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم العالمیه (a.raufalimi@gmail.com).

از شیعیان متعهد به برگزاری مراسم عزاداری عاشورا مردم ککرک زمین است، مردم این سامان از ابتدا کام نوزاد شان را با تربت کربلا باز می‌کنند، بعد به وسیله شریک ساختن کودکان در حد توان شان در مراسم عزاداری زمینه تربیت دینی و اخلاقی آنان را فراهم نموده و با دادن مسؤلیت‌های متناسب با سن و سال شان زمینه رشد اجتماعی و مسؤلیت پذیری آنان را برای آینده فراهم می‌کنند و این سنتی مبارکی است که از هر نسل قبلی به نسل بعدی منتقل می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ، عزاداری، ککرک، هزینه، آثار فردی، آثار اجتماعی.

### مقدمه

نهضت عاشورا دانشگاه بزرگی است که در سال ۶۱ هجری در صحرای کربلا واقع در کشور عراق شخصا به وسیله امام حسین علیه السلام تأسیس و با سیل خون شهداء کربلا و تاریخ شیعه پرورده و به بار نشسته است، هر سال خروشان تر و گسترده تر از پارسال ظاهر می‌شود، بدون شک این دانشگاه بزرگ ترین مرکز ایجاد تحول روحی، تربیت دینی و تزکیه نفس بوده مرکز همان چیزهایی نیایی است که نیاز فطری انسان را به سوی آن می‌کشاند. عاشورا که در قالب عزاداری ظاهر می‌شود بیشتر از ۱۴۰۰ سال است که بدون هیچ پشتوانه رسمی یا دولتی با قوت و قدرت در جریان است، تربیت یافتگان این مکتب هر کدام در عصر خود و در هر جایی که هستند گردانندگان واقعی عاشورا و ادامه دهنده راه ابا عبدالله علیه السلام می‌باشند. یکی از این مردمان همیشه در صحنه عاشورا ملت مؤمن، مجاهد و شهید پرور ککرک زمین است، که نوشته حاضر در زمینه فرهنگ عزاداری آنها تدوین یافته است. امروزه و در این روزهای محرم فرزندان ککرک زمین و تربیت یافتگان مکتب حسینی در کشورها و شهرهای مختلف دنیا سرگرم عزاداری بودند و هستند، عزیزان ما در منطقه، شهر کابل، غزنی، قندهار، هرات، کرمان، تهران، اصفهان، قم و کشورهای امریکا و استرالیا با برگزاری جلسات سنگین عزاداری به ما افتخار بخشیدند و نوشته حاضر نمونه از سر سپردگی فرزندان عاشورا در پهنه زمین است.، دستگاه ستم گستر اموی می‌خواست نام محمد و علی علیه السلام برای همیشه فراموش گردد ولی غافل از اینکه للحق دولة و للباطل جولة. و السلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

## بیان مفاهیم

### معنای فرهنگ

#### تعریف لغوی فرهنگ

واژه پُر مایه فرهنگ یکی از کهن‌ترین واژگان ادب فارسی و دری است که در آثار کهن مانند ادبیات دوره هخامنشی و اوستایی از دو جزء « فرا » و « هنگ » تشکیل شده که « فرا » پیشوندیست به معنای بالا و بیرون « هنگ » نیز از ریشه اوستایی « تَنگ » به معنای کشیدن گرفته شده است بدین ترتیب این واژه ترکیبی به معنای بیرون کشیدن یا بالا کشیدن استعدادها و لیاقت‌های ذاتی نهفته در نهاد فرد و جامعه است (سامی، ۱۳۵۶: ۱۳). هم‌چنین فرهنگ به معنای دانش، حرفه، علم، فنون، هنر، آموختن، به کار بستن، ادب، بزرگی، سجدگی، کتاب لغت، آموزش و پرورش، تربیت، آیین و رسوم و عقل کاربرد دارد (دهخدا، بی تا: ۲۲۷/۳۹).

#### معنای اصطلاحی فرهنگ

مجموعه به هم پیوسته‌ای از اندیشه‌ها و احساسات و اعمال کم و بیش صریحی که به وسیله اکثریت افراد گروه پذیرفته شده و منشر شود (روح الامینی، ۱۳۴۰: ۱۳۵ و ۱۳۶). در تعریف دیگر هر آنچه انسان می‌کند و هر آنچه عمل او به بار می‌آورد، در حوزه فرهنگ قرار می‌گیرد (جمشید و جهان بگلو، ۱۳۸۲: ۴۰).

آنچه مسلم است فرهنگ آفریده و محصول تلاش فکری و جمعی بشر است (مهمینی، ۱۳۸۴: ۵۰). بر پایه این تعاریف، می‌توان فرهنگ را به طور کلی این‌گونه تعریف کرد:

فرهنگ عبارت است از مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی انسان که در سایه تلاش مشترک فکری و عملی در طول تاریخ حاصل شده و همچون میراثی برای نسل‌های پسین باقی مانده و هر نسل آن را کامل‌تر نموده و به نسل بعدی سپرده است (جان احمدی، ۱۳۹۰: ۳۷).

## معنای عزاداری

### عزا از نگاه لغت

(عَزَى) (يُعَزِي) از بَابِ تَعَبَ به معنای صَبَرَ کردن بر مصیبت که وارد شده است. و در حدیث وارد گردیده است: «مِنْ عَزَى حَزِينًا كَسِي فِي الْمَوْقِفِ حُلَّةً يَحْبَرُ بِهَا» (طریحی، ۱۴۱۶: ۴۰۸/۲).

هر کس ممحزونی را به خویشتن دار بخواند در روز قیامت با حله پوشانیده می‌شود که با آن شادمان می‌گردد.

عَزَاءُ: به معنای صبر در برابر آنچه از دست داده است و بعضی گفته‌اند به معنای حسن صبر است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۲/۱۵).

پس عزا به معنای آرامش یافتن، خود را تسلی دادن و تسلیت گفتن به کسی (به سبب درگذشت کسی یا فقدان چیزی) است، و همدردی کردن با کسی مثلاً همدردی با بازماندگان میت را می‌گویند.

### عزاداری در اصطلاح

عزاداری عبارت است از اجتماع گروهی از مردم که سعی می‌کنند با قرائت قرآن، خواندن مرثیه و سرودن شعر، بازماندگان را تسلی دهند و به صبر توصیه نمایند.

آراندا و میلن (۲۰۰۰) واکنش‌های شناختی، رفتاری، اجتماعی، جسمی و معنوی نسبت به وضعیت فقدان پیش آمده را سوگ و زمان سوگواری را داغ دیدگی می‌نامند و عزاداری را جلوه عمومی سوگ تلقی میکنند. نیل (۱۹۹۰) رفتارها و مراسم متناسب با فرهنگ در ارتباط با فقدان را عزاداری می‌نامد (<https://mehcom.com>).

### تعریف ککرک

واژه ککرک تحول یافته لفظ ترکی « کرکین» بوده، و این لفظ در ابتدا اسم کرکین خان قطغنی از نسل طوغان ترک است که یازدهمین جد کرکین می‌باشد، بر اساس روایت شفاهی بزرگان

کرکین خان بعد از درگیری‌های شدید با دولت وقت در اثر متارکه با دولت وقت همراه با دو برادر خود ترگن خان و احمد خان دره ککرک، ترگن و احمدای موجوده را در بدل زمین‌های قطغن زمین مالک می‌شوند و در این دیار رحل اقامت می‌افکنند و تاریخ زمانی این مهاجرت معلوم نیست. و امروز ککرک اسم برای کل درّه است مانند ترگن و احمدای.

این درّه در فاصله بیست و پنج کیلومتری جنوب غرب شهر غزنی واقع گردیده، در احاطه سلسله کوهی

است که از طرف شمال، جنوب و غرب آن را در بر گرفته است. طرف شرق آن منطقه واغظ قرار دارد که اهالی آن پشتو زبان و پیرو مذهب حنفی هستند، در طرف شمال و پشت کوه‌های شمالی دره‌ای ترگان و سمت غرب آن پشت سلسله کوه‌های غربی دره‌ای سراب و از طرف جنوب به دره‌ای شاکی متصل می‌باشد؛ اهالی این سه درّه به زبان دری تکلم می‌کنند و پیرو مذهب شیعه اثنی عشری می‌باشند. درّه‌ای ککرک بالغ بر بیست و شش روستا دارد که جمعیت هر کدام در دوران جهاد بین ۱۵ تا ۲۰۰ خانواده متفاوت بوده، و هر روستا دارای قنات و چشمه‌ها و زمین کشاورزی می‌باشند، فعلاً جمعیت منطقه ککرک مانند سایر مردم به مشاغل مختلف علمی، در حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها و مدارس، ادارات دولتی، یا کشاورزی و دامداری سنتی، و سایر کسب و کار اشتغال دارند.

### تاسیسات اجتماعی ککرک

در منطقه ککرک هر روستا از یک الی چهار باب مسجد و معمولاً یک روحانی مستقر دارند، امورات مذهبی شان از قبیل عقد نامه ازدواج، رهن و اجاره تدفین و نماز و تلقین مرحومین به وسیله روحانیون موجود انجام می‌شود، این منطقه دارای ۲۸ باب مسجد است و تا زمان وفات مرحوم ثقه الاسلام غزنوی نماز جمعه و عیدین به وسیله و امامت مذکور برگزار می‌شد. اما از وفات ایشان تا کنون نماز جمعه برگزار نمی‌شود؛ و از نظر انکشاف شهری در سطح پایین قرار دارد چون دولت محترم افغانستان نسبت به این منطقه مانند سایر مناطق هزاره جات بی توجه بوده؛ این منطقه تنها یک بازار کوچک محلی به اسم بازار ککرک دارد که در دوران جهاد به دستور پایگاه ۲۳ حرکت اسلامی (دکتر شاه جهان و فرمانده محدامین) تأسیس

شده است؛ و دارای یک باب کلینیک درمانی می‌باشد که در سال ۶۶ ش به وسیله حقیر تأسیس شده و در سال ۶۹ و ۷۰ ساختمان آن را به کمک موسسه i.m.c. مستقر در پشاور پاکستان تکمیل نموده‌ایم؛ فعلاً فعال و تحت اداره حکومت مرکزی افغانستان قرار دارد، هم چنین امروز یک باب دبیرستان پسرانه و یک باب دبیرستان دخترانه و دو باب مدرسه ابتدایی از کلاس اول تا ششم با کمک موسسات بین‌المللی در این درّه ساخته شده و فعال می‌باشند.

### پیشینهٔ عزاداری

از روزی که بشر به دنیا آمد و سپس با پدیده مرگ و حوادث تلخ روبرو شد با عزاداری آشنا گردید. انسان موجودی است که آنچه را با وجود و هستی خویش ناسازگار ببیند با آن مبارزه می‌کند و اگر نتوانست در مقابل آن دست به دفاع بزند با ابزار اندوه، گریه و... به مقابله با آن و آرام‌سازی دل خود می‌پردازد.

گاهی نیز این مراسم برای احیای شعائر الهی و خاطره زندگی پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم‌السلام برگزار می‌شود که آثار فراوان و ثمرات بسیاری به همراه دارد.

### ۱. عزاداری در قرآن

عزاداری یک امر فطری و طبیعی در بین اولاد بشر بوده و هست، یعنی هم چنان‌که شادی و فرح به صورت فطری و طبیعی وجود داشته، ماتم و عزا نیز همیشه وجود داشته است حتی در دنیای مدرن امروز عزاداری در بین تمام اقوام و ملل جهان مرسوم است منتهی شکل عزاداری از کشوری تا کشور دیگر و از قومی تا قوم دیگر متفاوت است، امروز در بین کشورهای جهان رسم است که در اثر حادثه مهم و یا از دست دادن یک شخصیت مهم ملی از یک تا سه روز عزای ملی اعلام می‌کنند، ادارات تعطیل و پرچم‌ها نیمه افراشته و بقیهٔ مراسمی که دارند انجام می‌دهند این خودش عزاداری است منتهی با اختلاف روش و شکل های آن. در قرآن کریم در موارد متعدد از مصیبت‌های وارده بر مؤمنین و صبر و شکیبایی آنها در برابر مصایب، در طول تاریخ یادآوری گردیده و از جمله مرثیه خوانی قرآن برای اصحاب اخدود است که در سوره بروج می‌فرماید:

قتل اصحاب الاخدود النار ذات الوقود اذ هم عليها قعود و هم على مايفعلون بالمومنين شهود وما نقموا منهم الا ان يؤمنوا بالله العزيز الحميد (بروج: ۴ - ۸) مرده باد اصحاب اخدود (صاحبان خندق) آنهای که درون خندق آتش افروختند و دورادور خندق بر صندلی‌ها نشسته بودند، کشتار و سوختاندن مؤمنین را تماشا می‌کردند و هیچ دلیلی برای انتقام‌گیری از مؤمنان بغیر از ایمان به خداوند عزیز حمید نداشتند.

علی بن ابراهیم قال: کان سببهم ان الذی هبج الحبشه علی غزوة الیمن ذانواس و هو آخر ملک من حمیر تهود و اجتمعن معه حمیر علی اليهودیه و سمی نفسه یوسف و اقام علی ذلک حینا من ادھیر ثم اخبر ان بنجران بقایا قوم علی دین النصرانیة و کانواعلی دین عیسی و علی حکم الانجیل و رأس ذلک الدین عبدالله بن بریا فحمله اهل دینه علی أن یسیر الیهم و یحملهم علی اليهودیه و یدخلهم فیها، فسار حتی قدم نجران فجمع من کان بها علی دین النصرانیة ثم عرض علیهم دین اليهودیه والدخول فیها، فاختروا القتل فخذ لهم اخدودا و جمع فیہ الحطب و أشعل فیہ النار فممنهم من احرق بالنار و منهم من قتل بالسیف و مثل بهم کل مثله فبلغ فبلغ عدد من قتل و احرق بالنار عشرين الفاً و أفلت رجل منهم یدعی دوس ذو ثعلبان علی فرس له و رکضه و اتبعه حتی اعجزهم فی الرمل و رجع ذو نواس الی ضیعة من جنوده (بحرانی، بی‌تا: ۱۶۵/۱۲).

از علی بن ابراهیم نقل شده است: مردی از پادشاهان یمن بنام ذو نواس دین یهودیت اختیار کرد و خودش را یوسف نامید مدتی در این کار بود، به وی اطلاع دادند که قومی در نجران در دین نصرانیت و عیسای مسیح هستند و بزرگ آنها عبدالله بن بریا من می‌باشد، مردم، ذونواس را وادار کردند که به نجران لشکر کشی کند او با لشکریان خویش به آنجا آمد و مردم نجران را به دین یهود دعوت کرد، مردم از قبول درخواست وی امتناع کردند، آنها را تهدید به قتل نمود ولی موثر واقع نشد، بالاخره به دستور ذو نواس کانال بزرگی کنده و در آن آتش افروختند عده‌ای از مومنان مسیحی را در آتش سوختند، گروهی با شمشیر شهید شدند و گروهی تکه پاره گردیدند و تعداد افرادی مقتول با شمشیر و آتش بالغ بر بیست هزار نفر گردید

تنها یک مرد از آنان بر اسپ خود جهید و اسپ را راند و ذونواس آن را تعقیب کرد اما در ریگزار سپاه ذونواس ناتوان شدند به آبادی از اهل لشکر خود برگشتند. این خود عزاداری برای اصحاب اخدود است که قرآن کریم به آن پرداخته است.

## ۲- عزاداری در روایات

عزاداری در لسان روایات مانند قرآن کریم تجلی یافته که به نمونه از آنها ذیلا اشاره می‌شود.

عن عائشة قالت: : لما مات ابراهيم بكي النبي ﷺ حتى جرت دموعه علي لحيته، فقيل: يا رسول الله، تنهي عن البكاء و انت تبكي؟ فقال ليس هذا بكاء و انما هذه رحمة من لا يرحم لا يرحم (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۶۶۰).

از عایشه روایت شده که گفت: وقت ابراهیم فرزند رسول خدا ﷺ از دنیا رفت،

پیامبر خاتم آنقدر گریه کرد

که اشک بر ریش مبارکش جاری گشت، برایش عرض شد یا رسول الله شما دیگران را از گریه منع می‌کنید و الآن خودتان دارید گریه می‌کنید؟ حضرت جوابداد که این گریه نیست بلکه رقت قلب و ترحم است و کسی که ترحم نداشته باشد سزاوار ترحم نیز نمی‌باشد.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

البكائون خمسة آدم، و يعقوب، و يوسف و فاطمة بنت محمد و علي بن الحسين عليه السلام؛ فاما آدم فبكي علي الجنة حتى صار في خديه امثال اودية و اما يعقوب فبكي علي يوسف حتى ذهب بصره وحتى قيل له « تالله تفتؤا تذكر يوسف حتى تكون حرضا او تكون من الهالكين يوسف: ۸۵ » و اما يوسف فبكي علي يعقوب حتى تأذى به اهل السجن فقالوا: اما أن تبكي الليل و تسكت بالنهار، و اما أن تبكي النهار و تسكت بالليل، فصالحهم علي واحد منهما، و اما فاطمة عليها السلام فبكت علي رسول الله صلى الله عليه و آله حتى تأذى بها اهل المدينة، فقالوا لها: قد أذيتنا بكثرة بكائك و كانت تخرج الي المقابر مقابر الشهداء فتبكي حتى تقضى حاجتها ثم تتصرف، و اما علي بن الحسين عليه السلام فبكي علي الحسين عليه السلام عشرين سنة او اربعين سنة ما وضع بين يديه طعام الا بكي حتى



قال له مولى له : جعلت فداك انى أخاف عليك أن تكون من الهالكين ، قال: انما أشكو بثى وحزنى الى الله ، و اعلم من الله ما لا تعلمون انى لم أذكر مصرع بنى فاطمة خنقتنى لذلك عبرة (همان: ۱/۶۶۰).

امام صادق علیه السلام فرمودند: بیشترین کنندگان اولاد بشر پنج نفر بودند؛ حضرت آدم، یعقوب، یوسف، فاطمه بنت محمد و علی بن الحسین (امام زین العابدین علیه السلام) اما آدم برای بهشت آنقدر گریه کرد که بر دو گونه اس شیاری مانند جای دورود خانه پیدا شده بود، و اما یعقوب برای یوسفش آنقدر گریه کرد که نابینا شد و فرزندان او را ملامت نموده می گفتند: « به خدا سوگند تو آنقدر یوسف یوسف می کنی که نزدیک است از غصه فراقش مریض شوی و یا خود را به هلاکت برسانی» و اما یوسف برای پدر خود یعقوب آنقدر گریه کرد که موجب اذیت زندانیان گردید، و زندانیان برایش گفتند یا روز گریه کن و شب آرام باش و یا شب گریه کن و روز آرام باش؛ یوسف با آنها مصالحه کرد و پیشنهاد را قبول کرد، و اما حضرت فاطمه علیه السلام آنقدر در ماتم از دست دادن رسول خدا صلی الله علیه و آله گریه کرد که اهل مدینه احساس ناراحتی کردند و برایش گفتند ما از شدت گریه شما اذیت می شویم؛ حضرت فاطمه علیه السلام بعد از آن به مقبره شهدا می رفت تا هر قدر می خواست گریه می کرد و برمی گشت. و اما علی بن الحسین علیه السلام برای پدر مظلومش یعنی امام حسین علیه السلام بیست سال و به قولی چهل سال گریه کرد، هیچگاه طعامی برایش حاضر نکردند مگر اینکه حضرت با دیدن طعام گریه می کرد، تا خادمش عرض کرد فدایت بگردم، من از اثر گریه زیاد بر جانت می ترسم حضرت فرمودند: من دارم شکایت حزن و اندوه خود را به خداوند می گویم و من از جانب خداوند چیزی می دانم که شما نمی دانید.

## عزاداری در تاریخ

علی بن رثاب از امام کاظم علیه السلام روایت می کند که فرمود:

إذا مات مؤمن بكت عليه الملكة و بقاع الارض التي كان يعبد الله عليها و ابواب السماء التي كان يصعد اعماله فيها، و ثلم ثلثة في الاسلام لا يسدها شيء لانّ المؤمنين حصون الاسلام كحصون سور المدينة لها (همان: ۶۶۱).

زمان که انسانی مؤمنی بمیرد ملائکه‌ها و قطعات زمین که بر روی آنها خدا را عبادت می‌کرد و دروازه‌های آسمان که اعمالش از آنها صعود می‌کرد بر او گریه می‌کنند، و در اثر فوت او رخنه بزرگی در پیکر اسلام ایجاد می‌شود که هیچ چیزی نمی‌تواند آن را رفو نماید زیرا مومنان سدهای مستحکم اسلام هستند مانند دیواری که بر اطراف شهر می‌کشند که مانع از ورود دشمن است.

محمد بن علی بن الحسین قال: لما انصرف رسول الله ﷺ من وقعة احد الى المدينة سمع من كل دار قتل من اهلها قتيل نوحا و بكاء و لم يسمع من دار حمزة عمه فقال ﷺ لكن حمزة لا بواكي له فالى اهل المدينة ان لا ينوحوا على ميت و لا يبکوه حتى يبدوا بحمزة فينوحوا عليه و يبکوه فهم الى اليوم على ذلك (همان: ۶۶۱).

مسلمانان در جنگ احد ۷۰ شهید دادند؛ وقت رسول خدا ﷺ از جنگ احد برگشت در مدینه صدای گریه و نوحه از خانه‌های شهدا بلند بود، تنها خانه حمزه سیدالشهداء ساکت بود چون فرزند نداشت، رسول خدا ﷺ فرمودند عمویم حمزه گریه کننده ندارد مردم مدینه را از گریه بر شهدا بازداشت مگر اینکه ابتدا برای حمزه سیدالشهداء نوحه خوانی و گریه نمایند، بعد از آن در هر مصیبتی ابتدا کردن به نوحه خوانی برای حمزه سیدالشهداء در مدینه مرسوم بود تا زمان راوی. ابن مسعود می‌گوید: «پیامبر در سوگ حمزه بسیار گریه کرد، جنازه ی حمزه را رو به قبله نهاد و ایستاد و با صدای بلند گریه کرد و صفات خوب حمزه برشمرد (حلبی، بی تا: ۶۰/۲).

اسماء همسر جعفر بن ابی طالب، که از زن‌های با ایمان و وفادار صدر اسلام بوده است، می‌گوید: «جعفر در جنگ موته به شهادت رسید؛ بر رسول خدا ﷺ وارد شدم، ایشان فرمودند: ای اسماء، فرزندان جعفر کجا هستند؟ آنان را پیش آن حضرت آوردم، آنان را در آغوش کشید و گریه کرد و گفت: جعفر امروز به شهادت رسید (ابن سعد، بی تا: ۸/۲۸۲). یعنی امروز که اطفال بی سرپرست جعفر می‌بینم داغ جعفر برایم تازه می‌شود.

زنان بنی هاشم در شهادت امام حسن و امام حسین، عزاداری و گریه کردند؛ ام سلمه، ام المؤمنین، در رؤیا از شهادت امام حسین با خبر می‌شود و پس از بیداری به عزاداری می‌پردازد و

زنان هاشمی را نیز به عزاداری بر حسین دعوت می‌کند؛ جابر بن عبدالله انصاری، پس از غسل در فرات و پوشیدن لباس تمیز، به صورت پابرهنه و اندوهگین به سوی مزار امام حسین می‌رود و گریه فراوان می‌کند؛ انس ابن مالک و زید ابن ارقم، از یاران پیامبر، در سوگ امام حسین گریه کردند؛ مختار ثقفی در عزای امام حسین گریه کرد و قسم خورد که انتقام بگیرد؛ تواین با شعار «یا لثارات الحسین» به رهبری سلیمان ابن صرد خزاعی، برای انتقام جمع شده، بر مزار امام حسین رفته، گریه و ناله می‌کنند؛ مردم کوفه و شام و مدینه، پس از شهادت امام حسین عزاداری می‌کنند؛ شعرا و سرایندگان عرب، اشعار فراوانی در سوگواری سروده‌اند.

یادآوری می‌شود که بعضی از موارد ذکر شده از سیره ی معصومان و مسلمانان، ناظر به مراسم عزاداری نبوده است بلکه سوگ و داغ دیدگی واقعی بوده است؛ اما موارد متعددی هم بوده است که سوگ واقعی نبوده است، بلکه مراسم عزاداری بوده و با هدف تبلیغی و سیاسی انجام می‌شده است. ائمه علیهم‌السلام پس از امام حسین علیه‌السلام، برای آن حضرت عزاداری کرده‌اند و مصیبت آن حضرت را تازه نگه داشته‌اند؛ به‌ویژه امام صادق علیه‌السلام مجلس می‌گرفت و افراد جمع می‌شدند و ذکر مصیبت می‌شد و گریه می‌کردند (رجبی، بی‌تا: ۱۱۱-۱۲۰).

پس از زمان ائمه علیهم‌السلام نیز توسط شیعیان عزاداری امام حسین انجام می‌شد، اما تا پیش از قرن چهارم به صورت پنهان بود، همان طور که جشن و سرور در روز عید غدیر (۱۸ ذیحجه) نیز پنهان بود و از آن پس آشکار شد.

معزالدوله دیلمی، از سلاطین بزرگ و مقتدر آل بویه بود که در آشکار ساختن شعائر شیعه، نقش اساسی داشت و مردم بغداد را به عزاداری حسین تشویق می‌کرد. در سال‌های بین ۳۵۲ تا اواسط قرن پنجم مراسم عاشورا، مهم تلقی و اجرا می‌شد. در همین سال‌ها فاطمیه و اسماعیلیه، مصر را به تصرف درآوردند و شهر قاهره را بنا نهادند و مراسم عاشورا در مصر نیز برگزار می‌شد. مراسم عزاداری، به سایر کشورهای اسلامی، شمال آفریقا، ایران و برخی کشورهای عربی رسوخ کرد. در ایران از قرن اول و دوم، تعزیه رایج بود، ولی گسترش بیشتر یافت. اکنون نیز نه تنها شیعیان، بلکه حتی بسیاری از غیر شیعیان و غیر مسلمانان نیز، امام حسین و مراسم عزاداری حسینی را به خوبی می‌شناسند و برای آن احترام قائلند. امروزه

به برکت جمهوری اسلامی ایران، مراسم عزاداری، به همان شیوه‌های مرسوم در ایران (سخنرانی، روضه خوانی، مداحی و سینه زنی تشکیل دادن دسته‌های عزاداری و...) به زبان‌های مختلف دیگری مثل انگلیسی، آلمانی، چینی، ژاپنی تایلندی و... نیز رواج یافته است.

## آیین عزاداری در ککرک

از آنجا که هر طایفه در هر جاکه هستند برای خود فرهنگ و مراسم خاصی دارند، در عالم تشیع عزاداری برای حضرت سید الشهدا حسین بن علی علیه السلام در رأس مفاخر فرهنگی شیعه قرار دارد، و این عزاداری متشکل از بخش‌ها و مولفه‌های متعدد است، در بین اهالی ککرک زمین نیز فرهنگ عزاداری حضرت سیدالشهدا علیه السلام دارای مراحل و مولفه‌های خاص خود می‌باشد و اینک به توضیح هر بخش آن جدا جدا اشاره می‌نماییم.

### ۱. محل عزاداری

در این منطقه که دارای بیست و هشت باب مسجد است، هر هیئت متشکل از یک ملامبخشی (قریه‌های که باهم یک روحانی انتخاب می‌کنند) در یک مسجد عزاداری می‌کنند مثلاً قریه (روستای) بلبل دارای چهار مسجد است و یک ملا بخشی بوده و در یک مسجد عزاداری می‌کنند، قریه اگر دارای سه باب مسجد بوده در یک مسجد عزاداری می‌کنند، پایین قلعه، نوده و کهنه ده سه روستا در یک مسجد عزاداری می‌کنند و بقیه قریجات نیز به همین ترتیب می‌باشند.

### ۲. زمان عزاداری

چون مردم منطقه اکثراً به دهقانی (کشاورزی) و مالدار (دامداری) اشتغال دارند، لذا شب‌های محرم را برای

عزاداری انتخاب می‌کنند تا از یک سو فارغ از هرگونه دغدغه به عزاداری بپردازند و از سوی دیگر همه بتوانند در آن سهیم گردیده و استفاده نمایند، اگرچه عزاداری در روز هم مانعی خاص ندارد، و از سوی دیگر عزاداری در شب میراث دوران اختناق و استبداد حاکم بر شیعیان است که مجبور بودند شبانه بدور از چشم مخالفین و خصوصاً محتسبان جاهل دولت افغانستان اقامه عزاداری

کنند، لذا بعد از ادای نماز مغرب و عشاء و صرف شام (غذای شب شان) شان، مرد و زن صغیر و کبیر در مسجد جمع می‌شوند ولی امروزه به برکت تمدن و مدنیت الحمد لله این مشکلات تا حدودی کاهش یافته ولی با چالش جدید یعنی تهدیدات تروریستان داعش مواجه می‌باشند، چنانچه در سالهای اخیر مساجد، مدارس، بیمارستان‌ها و حسینیه‌های متعدد به وسیله این گروه کوردل منفجر گردیده و مردم مظلوم شیعه افغانستان قربانی سهمگینی پرداخته‌اند.

### ۳. تشکیلات جلسه عزاداری

جلسات عزاداری در منطقه ککرک متشکل از سه بخش اساسی می‌باشد که عبارت‌اند از مردم، ذاکرین اباعبدالله الحسین علیه السلام و روحانی قریه. در ابتدای جلسه بعد از تلاوت آیاتی از قرآن کریم، چند نفر به نوحه خوانی بدون سینه زنی می‌پردازند، بعد در مرحله دوم چند نفر دیگر به نوبت مرثیه خوانی می‌کنند و در مرحله سوم آخوند قریه حدود یک ساعت به موعظه می‌پردازد و معارف اسلامی و اهل بیت علیهم السلام را که شامل عقاید، احکام و اخلاق و تاریخ اسلام است را بیان می‌کند و کم‌کم با مناسبتی بذكر نکته‌های مفید علمی پرداخته در آخر جلسه روضه می‌خواند و معمولاً روضه خوان اصلی مجلس همین آخوند قریه است و بعد از روضه خوانی دعا می‌کند و مردم با صدای بلند آمین می‌گویند. و تنها در شب‌های تاسوعا و عاشورا و هم چنین روز عاشورا در آخر مجلس برنامه سینه زنی به شکل سنتی نیز دارند.

### ۴. منبع هزینه‌های عزاداری

برگزاری هر یک از مراسم چه شخصی باشد یا عمومی نیازمند یک مقدار هزینه مناسب و متناسب با مراسم است؛ در ککرک زمین خوشبختانه منبع تامین هزینه‌های عزاداری خود مردم است که هر کدام داوطلبانه در تدارک آن سهم می‌گیرند به این ترتیب:

الف) در طول محرم هر بعد الظهر سفره نذر امام حسین علیه السلام پهن می‌شود و به اطعام مردم می‌پردازد، در کیفیت اطعام هیچ‌گونه قید و شرط و تبعیضی در کار نیست، کوچک و بزرگ، زن و مرد همه به نوبت بر سر سفره حاضر می‌شوند چون خانم‌ها نان نذری را پخته می‌کنند و هم دم غروب گاو و گوسفندان خود را می‌دوشند لذا ابتدا به اطعام مردان پرداخته می‌شود و

بعد به اطعام خانم‌ها،

ب) برای تنویر مسجد کسانی که فانوس گیس دارند (چراغی است که با بنزین روشن می‌شود) خود شان داوطلبانه برای شب‌های محرم بنزین چراغ را تهیه می‌کند و اگر گیزی نداشتند از فانوس‌های نفتی بزرگ استفاده می‌کنند.

ج) علاوه بر این مصارف برای ذاکرینی که از جاهای دیگر می‌آیند هر شب حتی الوسع یک مبلغی نذر می‌دهند و یا لیست می‌دهند که در موسم خرمین آینده چقدر گندم پرداخت می‌کند، شخص موصوف لیست را نگه می‌دارد و وقت خرمین می‌آید گندم‌های وعده داده شده را جمع می‌کند و می‌برد.

د) آخوند و ذاکرین بابت برپایی مراسم چیزی از مردم نمی‌خواهند و هر کدام برپایی عزاداری را جزء وظایف و واجبات مهم خود می‌دانند.

ه) هر خانواده در هر سال اولین بره نرینه و یا بزغاله نرینه شان که به دنیا می‌آید از همان لحظه به نیت نذر حضرت سید الشهداء علیه السلام از زمین برمی‌دارند، بعد پشت این حیوان را با رنگ نشانی می‌کنند، و بر اساس این نشانی اهالی نسبت به این بره‌ها و بزغاله‌ها برای چاغ شدنشان اهتمام به خصوص دارند تا برای نذر محرم پیشرو آماده ذبح گردند. و آرد و روغن مورد نیاز را نیز هر خانواده حتی الوسع به نیت نذر حضرت سید الشهداء علیه السلام تهیه می‌کنند. و هم چنین شیر دام‌ها، تخم مرغ، و غیره محصولات روزه تاسوعا و عاشورا را اختصاص به روز عاشورا می‌دهند و استفاده شخصی از آنها را ممنوع می‌پندارند، و این شیرها را همراه با نان روغنی برای عزاداران ظهر عاشورا توزیع می‌کنند. چون در روز عاشورا هیچکس دنبال کار نمی‌روند و کار کردن و دنبال در آمد رفتن در روز عاشورا را نیز حرام می‌دانند، لذا در روز عاشورا مراسم از اول صبح شروع شده تا نماز ظهر در مسجد ادامه دارد و در پایان مراسم نانهای نذری و شیر چای‌های نذری را در خدمت حاضرین قرار می‌دهند و باقیمانده را عصر روز عاشورا برای مردم اطعام می‌کنند.

و) اضافه بر نذورات که قبلاً تذکر داده شد منبع دیگر هزینه عزاداری نذورات شخصی مردم است به این معنا که در طول سال بعضی هستند که یکی از اعضای خانواده اش دچار

مریضی شدید می‌شوند، آخرین پناهگاه آنها توسل به اهل بیت علیهم‌السلام و نذر گرفتن یک گوسفند برای امام حسین علیه‌السلام و یا قمر بنی‌هاشم ابوالفضل العباس علیه‌السلام می‌باشد؛ آنها گوسفند را حاضر می‌کنند دست مریض را بر پشت آن می‌کشند و این علامت نذر گذاشتن این گوسفند است که در محرم پیشرو تقدیم نمایند. همچنین برخی‌ها هستند که تا چند سال بعد از عروسی بچه دار نمی‌شوند اینها هم گوسفندی را به نیت شهزاده علی اصغر امام حسین علیه‌السلام نذر می‌گیرند و گوسفند مذکور را در محرم آینده ذبح می‌کنند و هم چنین برای اجابت دعاهاها و برآورده شدن حاجات مهم خود مردم نذر می‌گیرند و در محرم تقدیم می‌کنند.

ز) گهواره و علم کشی به ترتیب شب‌های هفتم و نهم مرسوم است به این ترتیب که گهواره را عده از سینه زنان با نوحه خوانی و سینه زنی در آخر روضه ملای منبر به صورت ناگهانی وارد مجلس می‌کنند، این وضعیت هنگامه عجیبی از حالت گریه و ضجه را به وجود می‌آورد چنان‌که کوچک و بزرگ یا حسین گفته ناله می‌کنند، اگر محل خانم‌ها سر راه گهواره و علم بود ابتدا خانم‌ها و اگر آقایان سر راه بودند ابتدا آقایان گهواره را به نیت کودک شهید و شیر خوار ابا عبدالله الحسین علیه‌السلام زیارت می‌کنند، نذریاتی از قبیل دستمالها، پارچه‌های قیمتی و پول نقد به گهواره می‌بندد و کودکان اگر می‌توانستند گهواره را ببوسند مادرشان آنها را جلو می‌آورند و یادشان می‌دهد که گهواره را ببوسند و هر جور گفته می‌تواند یا علی اصغر بگوید و اگر نمی‌توانستند مادران شان دست راست به گهواره کشیده به سر و صورت کودک خود می‌کشند و دعا می‌کنند که خداوند به آبروی شهید شش ماهه امام حسین علیه‌السلام برای کودکش عمر طولانی همرا با سلامتی و توفیق وفا و معرفت نسبت به اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عنایت کند. هم چنین عروسان که مادر بچه نشدند انگشتر طلا، نقره و اموال دیگری به نیت اینکه مشکل بی‌اولادی اش را خداوند به حرمت شهزاده علی اصغر امام حسین علیه‌السلام فوراً رفع نموده تا محرم آینده خداوند برایش فرزند پسر صالح معمر و مثمر عنایت کند ان شاء الله تعالی.

علم کشی نیز مانند گهواره است، علم نماد پرچم سپاه امام حسین علیه‌السلام است که در روز عاشورا بر دوش قمر بنی‌هاشم حضرت ابوالفضل العباس بود و تا هر دو دستش قطع نگردید به قیمت جان از آن مواظبت کرد، مردم با ارتکاز به این داستان خونین برای حضرت

ابوالفضل العباس یک مقام ویژه قایل‌اند و هنگام ورود علم در مجلس هیبت عحیی بر فضای مجلس حاکم می‌شود گویا هنوز هم از علم ابوالفضل العباس خشم و هیبت علوی علیه السلام و غیرت دفاع از حرم امام حسین علیه السلام و ایثار در راه عقیده و ایمان می‌بارد، اینجاست حاجتمندان هر کدام به نحوی و با نذر گذاشتن چیزی به ابوالفضل العباس متوسل می‌شوند. (ح) گهواره و علم را روز سیزدهم پایین می‌کنند یعنی باز می‌کنند پولها و اموالی که مردم در گهواره و علم بسته بودند آنها را بین سادات تقسیم می‌کنند و برخی تنها چیزی را با عوض گذاشتن برای تبرک بر می‌دارند.

### نذر ماه صفر

مردم منطقه ککرک نظر به وضعیت شغلی در ماه صفر عزاداری ندارند ولی رسم عمومی شان بر این است که در ماه صفر نذر بی بی (حضرت زینب کبری) را (س) را قطعاً انجام می‌دهند، بانیان این نذر خانم‌ها و مادران خانواده می‌باشد که نظر به توانمندی برای هر فرزند خود مقدار روغن نذر می‌گیرند و در ماه صفر در چهارشنبه آخر ماه صفر تمام منطقه در خانه‌های خود دیگ پختن حلوا ی سمنک را (در ایران برایش سمنو می‌گویند) بار می‌کنند. و این مسئله برای خانواده‌ها به حدی مهم است که حتی فعلاً در عالم مهاجرت مثلاً در ایران، پاکستان، اروپا، امریکا و استرالیا یعنی در هر جای که مهاجرین منطقه باشند این نذر حلوا ی ماه صفر را انجام می‌دهند ما در شهر مقدس قم حلوا می‌پزیم و دوستان را برای صرف نذر دعوت می‌کنیم و هم چنین سایر خانواده‌ها به انجام آن اقدام می‌کنند.

### فلسفه این نذر

مستحصر هستید که مردم هزاره در افغانستان با نامه حضرت امیر المومنین علی علیه السلام به وسیله آل شنسب پادشاه وقت غرجستان حدود سالهای ۳۶ یا ۳۷ هجری شمسی مسلمان و شیعه شدند و بر عکس اغلب بلاد اسلامی این قوم سابقه غیر شیعی در دوران مسلمانی خود ندارند، از زمان معاویه تا امروز بارها قتل عام شدند و لکن دست از مکتب و مشرب محمد و آل محمد علیهم السلام بر نداشتند، تمام افغانستان را از دست دادند ولی حب و ولای اهل بیت النبوی علیهم السلام را



در برابر جان و مال خود خریدند. این مراسمی که تذکر دادم اختصاص به مردم ککرک ندارد تمام هزارجات با تفاوت‌های اندکی تمام مراسم ماه محرم و صفر را بر گزار می‌کنند. حالا فلسفه نذر ماه صفر را آنطوری که در بین مردم مشهور است این نذر برای سلامتی و پیروزی زینب کبری در نبرد بر علیه دستگاه خون‌خوار اموی و سلامتی آن حضرت و همراهانش در صفر شام خراب شکل گرفته است. تاریخ شروع این نذر بستن را کس نمی‌داند ولی از آنجا که فعلاً به فرهنگ رایج مردم هزاره تبدیل شده و در سرتاسر افغانستان مردم شیعه آن را برگزار می‌کنند معلوم است این هم سابقه نهایت طولانی دارد.

### ترتیب اهدای نذر

رسم تهیه و اهدای نذر بی‌بی از این قرار است: موقعی که حلوا آماده شد ابتدا خانم بزرگ خانواده یک مقدار حلوا را در یک غوری (بشقاب بزرگ) می‌کشد و در وسط آن به صورت مدور دوازده فتیله ساخته شده از پنبه تمییز که با روغن روغندار شده است نصب و آنها را مانند شمع روشن می‌کنند، و این دوازده فتیله نماده دوازده شمع به یاد دوازده امام شیعه است که اول آنها علی بن ابی طالب و آخر آنها ولی عصر (عج) می‌باشد و در حلقه بعدی پشت سر این دوازده فتیله به تعداد اعضای خانواده فتیله‌های دیگر نصب نموده و روشن می‌کنند و این مسئله نماد پیروی از دوازده امام علیهم‌السلام می‌باشد یعنی ما خانواده مطیع و پیرو این دوازده امام علیهم‌السلام هستیم. بعد از آن اعضای خانواده یک به یک این غوری و دیگ را زیارت می‌کنند و سپس مردم را برای صرف نذر دعوت می‌کنند، بر سر سفره حلوا، ماست، دوغ، نان خانگی و شکر می‌گزارند.

### آثار فردی و اجتماعی عزاداری

#### الف) آثار فردی

##### ۱. آرامش روانی

انسان بدون باور و اعتقاد به خدا در هر دنیای که باشد احساس پوچی، ترس و اضطراب می‌کند، چون آن که به انسان و اعمال انسان معنا می‌دهد و انسان را از پوچی و تنهایی بیرون

می‌کند اعتقاد به خدای واحد و لا شریک است، اگر چنین نمی‌بود، هیچ شهیدی در عالم جانفشانی و ایثار نمی‌کرد، سارتر برای زندگی و دنیای ملال آورش کتاب تهوع را نمی‌نوشت. ولی قرآن کریم می‌فرماید: «الَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ.» (رعد: ۲۸) آگاه باشید که تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد. اما در عزاداری امام حسین علیه السلام انسان عزادار نه تنها دایم در یاد خداست بلکه محب و محبوب خداوند نیز می‌شود زیرا توسل و نزدیک شدن به معصومین علیهم السلام از بارزترین مصداق ذکر است که عین قرب الهی می‌باشد. چون عزاداران و ذاکرین امام حسین علیه السلام دایم خود را در محضر خداوند و همراه با کاروان حسینی علیه السلام می‌بینند و به آرامش روانی تام و تمام دست می‌یابند.

در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ وَ مَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ وَ مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ وَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ؛ (مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، ۹۸۸) هر که شما را مولای خود دانست، خدا را مولای خود دانسته، و آن که شما را دشمن داشت، با خدا دشمنی نموده و کسی که شما را دوست داشت، به تحقیق خدا را دوست داشته و هر که با شما دشمنی نمود، با خدا دشمنی نموده و آن کس که به شما تمسک جست، به خدا تمسک جسته است.

## ۲. رشد اخلاقی

روان‌شناسان، پس از مخالفت‌های اولیه، در نهایت به این نتیجه رسیده‌اند که دین و معنویت، از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رفتار آدمی است. بررسی‌های علمی نشان می‌دهد که هرچه میزان معنویت و دین‌داری افراد زیادتر باشد، مصونیت بیشتری در برابر کج‌رفتاری‌ها یافته، احتمال انحراف آن‌ها کمتر می‌گردد؛ چنان‌که میزان خودکنترلی و هیجانی در فرزندان و والدین با سطح اعتقاد مذهبی بالا، بیشتر بوده و تخلفات دوران نوجوانی آنان کمتر خواهد بود (عابدینی، ۱۳۸۹: ۱/ ۴۳-۵۳).

عزاداری، به عنوان مجلسی که همراه با تغییر یا تحکیم باورها و تحریک هیجانات مذهبی است، و میزان پای‌بندی افراد را به دین و باورهای بیشتر می‌کند، می‌تواند نقش

فزاینده‌ای در این راستا داشته باشد. چون رفتار بیرونی انعکاس دهنده شخصیت درونی و جلوه شخصیت معرفتی انسان می‌باشد، علاوه بر آن، عزاداری و توسل به معصومین علیهم‌السلام، یکی از مهم‌ترین راه‌های ارتقای معرفت و کسب مراتب قرب الهی است. علامه طباطبایی نیز در این باره فرموده:

اکثر افرادی که موفق به نفی خواطر شده و توانسته‌اند ذهن خود را پاک و صاف نمایند و بالأخره سلطان معرفت برای آنان طلوع نموده است، در یکی از این دو حال بوده است: اول در حین تلاوت قرآن مجید و التفات به خواننده آن ... دوم از راه توسل به حضرت ابا عبدالله الحسین علیه‌السلام؛ زیرا آن حضرت را برای رفع حجاب و موانع طریق، نسبت به سالکین راه خدا عنایتی عظیم است (طهرانی، بی‌تا: ۱۵۹).

### ۳. بصیرت افزایی

بصیرت غیر از سواد خواندن و نوشتن سنتی یا دانشگاهی است، کسانی که از داشتن جزئی‌ترین سواد هم محروم باشند می‌توانند درجه بالای از بصیرت و معرفت را داشته باشند، بصیرت، نوعی علم و آگاهی همراه با توان تشخیص و تمییز است که ابزار فهم حقیقت است. از این رو، افراد فاقد بصیرت، هر قدر با سواد و متمدن باشد بازهم از هدایت یافتن عاجز و محروم هستند (رحیمی، ۱۳۸۹: ۳۱۰).

زندگی اهل بیت علیهم‌السلام پُر است از عبرت‌هایی که قدرت تحلیل و تشخیص شناختی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و مجلس عزاداری، یادآور و آموزنده همه آن عبرت‌ها است. فوکویاما، شیعه را به پرنده‌ای با دو بال قدرت‌مند تشبیه کرده است؛ یکی، بال سبز انتظار موعود، و دیگری، بال سرخ شهادت که شکست‌ناپذیری و مبارزه با ظلم را برای‌شان به ارمغان آورده است (بروشورهای فرهنگی و اطلاع‌رسانی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی).

### ۴. هویت‌سازی فردی

عزادار، از زمانی که انگیزه شرکت در مجلس عزا در او شکل می‌گیرد با حرکت ارادی و برنامه‌ریزی لازم، تعامل با اعضای خانواده و مردم، سازگار شدن با برنامه‌های عمومی عزاداران،

کیفیت عزاداری و نیز مشارکت در برگزاری این مراسم، همواره به توانایی‌ها، استعدادها، نیازها، محدودیت‌ها، اهداف، تضادهای درونی، مسئولیت‌پذیری، جنسیت و همانندسازی با دیگران واقف شده، به تعریف روشنی از خود می‌رسد که به آن «هویت فردی» گویند.

## ب) آثار اجتماعی عزاداری

برخی از مهم‌ترین پیامدها و آثار اجتماعی عزاداری، به شرح ذیل است:

### ۱. الگوسازی و الگوپذیری

الگو، در حقیقت، یک رفتارسنج است؛ یعنی رفتار متأسی و پیرو در موضوع خاصی، با رفتار اسوه و الگو مقایسه می‌گردد و فاصله آن دو، محاسبه می‌شود تا پیرو به کاستی‌های وجود خودش پی برده، در صدد جبران و تدارک آن برآید (بیرهوف، ۱۳۸۷: ۱۱۶). وجود الگو، آثار گوناگونی چون: هدف‌گذاری، انگیزه بخشی، تقویت اراده، واقع‌نگری و استفاده از تجربه‌های نظری و عملی را به همراه دارد. زندگی امامان، برای همه مقاطع رشد انسان، از کودکی، نوجوانی و جوانی گرفته تا میان‌سالی و کهن‌سالی، درخور الگوبرداری است؛ از جمله: زینب کبری (س) (الگوی کاملی برای جامعه بانوان، حضرت عباس علیه السلام نماد وفا و پایداری در میدان دفاع از حق، و یاران امام حسین علیه السلام الگوی ولایت‌پذیری، حرّ الگوی خطاکاران و... البته مسأله الگوسازی عزاداری، به همین جا ختم نمی‌شود؛ بلکه هر کدام از شرکت‌کنندگان عزاداری، مثل علما، مداحان و مجریان مجالس عزا، حتی اصناف گوناگون مردمی، گروه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، می‌توانند برای دیگران الگو باشند.

### ۲. رشد اجتماعی

رشد اجتماعی، به معنای برقراری ارتباط با افراد و محیط پیرامون است. روشن است که رشد اجتماعی کارآمد، به شناخت و کاربست ابعاد مختلف جسمی و روانی و روحی فرد و نیز محیطی وی بستگی دارد. از این رو، هرچه فرد شناخت بیشتری از خود و هویتش داشته و از

مهارت‌های زندگی بیشتری برخوردار باشد، رشد اجتماعی افزون‌تری نیز خواهد داشت. مجالس عزاداری، تأثیر به‌سزایی در نیل به این شناخت‌ها و مهارت‌ها دارند.

### تقویت هویت ملی

عزاداری در هر منطقه، بر اساس فرهنگ و آداب و رسوم همان‌جا برگزار می‌شود و موجب انتقال آن‌ها به نسل‌های بعدی می‌گردد. این هیأت‌ها و تکیه‌ها بودند که همواره در تاریخ، از عوامل مهم اجتماع و اتحاد شیعیان و دفاع از کشور و میهن خود در مقابل دشمنان و معاندان به شمار می‌رفتند؛ مانند آنچه در دوران جهاد مقدس در برابر قشون سرخ اتحاد جماهیر شوروی و دولت مزدور خلقی‌ها صورت گرفت.

### مشارکت اجتماعی

انسان، به عنوان یک موجود اجتماعی، محتاج به تعلق و مورد قبول واقع شدن است؛ یعنی سلامت روانی انسان، به روابط گروهی او وابسته است. هر رابطه مطلوبی می‌تواند یک عامل پیش‌گیرانه و یا یک رابطه درمانی نیز باشد. از این رو، استفاده از گروه برای درمان مشکلات مراجعان، از سوی روان‌شناسان مورد توجه قرار گرفته، در دو حوزه از گروه استفاده می‌کنند: یکی، برای شناخت و کسب اطلاعات از اعضای گروه تحت عنوان گروه‌سنجی، و دیگری، برای درمان مشکلات اعضای گروه تحت عنوان گروه‌درمانی.

برپایی مجالس عزاداری به صورت عمومی، هر فردی را در توده‌ای عظیم از گروه‌های اجتماعی وارد می‌کند که همان آثار درمان‌های گروهی (نوابی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۱۱). را به دنبال دارد؛ از جمله اهم موارد آن را ذیلاً ذکر می‌نماییم.

۱. هر کسی که از یک مشکل سطحی یا حاد عاطفی برخوردار است، با مشاهده توده عزاداران حاجت‌مند و نذرکننده متوجه می‌شود که در داشتن مشکل، منحصر به فرد نیست و دیگران نیز به آن مبتلا هستند.

۲. با شرکت در میان عزاداران، همسالان خود را می‌بیند که یکدیگر را بهتر درک می‌کنند و می‌تواند آزادانه احساسات واقعی‌اش در باره خود و دیگران را مطرح کند و احساس

رضایت مندی را بیشتر تجربه نماید

۳. فرد می‌بیند که یک بزرگ‌سالی مثل روحانی یا مسئولان هیأت، سعی در شناختن و کمک به حل مشکل او دارند و او را با تمام خطاها و گناهانش و یا مشکلاتی که دارد، پذیرا هستند. همین امر، مایه امید واری و تقویت اراده برای اصلاح و بازسازی شخصیت افراد در قالب اجتماع گشته و باعث شکفتن استعدادهايش می‌گردد.

۴. با تجربه ملموس روابط و همبستگی‌های انسانی و گروهی در لابه‌لای برقراری مجالس عزاء، می‌فهمد که در معرض ارزش‌های گوناگون قرار می‌گیرد و این خود او است که تعیین‌کننده برقراری روابط خوب یا بد با دیگران است.

۵. هویت اجتماعی: همکاری بین هیئات، مجریان هیأت‌ها و نیز تقسیم نقش‌ها و وظایف، فرد و به خصوص نوجوانان را وارد فعالیت‌های اجتماعی می‌کند و آن‌ها را به فراگیری مهارت‌های روابط اجتماعی و تجربه‌های کاری موثر بیشتر آشنا و یاری می‌نماید.

## نتیجه

از بحثی که راجع به فرهنگ عزاداری عاشورا در منطقه ککرک انجام دادیم به این نتیجه دست یافتیم: که فرهنگ در جامعه مانند بحر است که انسان‌ها در درون آن زاده و در دامن آن بزرگ می‌شوند و زندگی می‌کنند، یکی از بخش‌های مهم فرهنگ در جامعه شیعی برگزاری مراسم عزاداری برای شهدا بخصوص حضرت سیدالشهدا ابوالفضل العباس (علیه السلام) و یاران پاکباز آن حضرت است که در سرتاسر این کره خاکی در ماه محرم و صفر از طرف شیعیان جهان تجلیل می‌شود و یکی از مناطق مردم شیعه در افغانستان دره پهناور ککرک و یکی از مردمان شیعه متعهد به برگزاری مراسم عزاداری عاشورا ملت ککرک زمین است، مردم این سامان از ابتدا کام نوزاد شان را با ترتب کربلا باز می‌کنند، بعد به وسیله شریک ساختن کودکان در حد توان شان در مراسم عزاداری زمینه تربیت دینی و اخلاقی آنان را فراهم نموده و با دادن مسئولیت‌های متناسب با سن و سال شان زمینه رشد اجتماعی و مسولیت پذیری آنان را برای آینده فراهم می‌کنند و این سنتی مبارکی است که از هر نسل قبلی به نسل بعدی منتقل می‌گردد. والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته.

## کتابنامه

### قرآن کریم.

قمی شیخ عباس، کلیات مفاتیح الجنان.

- ابن سعد محمد بن سعد، الطبقات الکبری، دار صادر، بیروت، لبنان، بی تا.
- ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، بیروت - لبنان، سوم، ۱۴۱۴ ه ق
- بحرانی سید هاشم، تفسیر برهان، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، لبنان، بی تا.
- بروشور فرهنگی و اطلاع رسانی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- بروشورهای فرهنگی و اطلاع رسانی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- بهنام جمشی، و رامین جهان بگلو، تمدن و تجدید، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۲ ش
- الحلبی ابوالفرج علی بن ابراهیم، السیرة الحلبیة، دارالکتب العلمیة، بیروت لبنان، بی تا.
- رحیمی، علی رضا، تعلیم و تربیت بصیرت گرا، تهران، دانشگاه امام صادق ۷، ۱۳۸۹.
- روح الامینی محمود، مبانی انسان شناسی، تهران، کتاب زمان، ۱۳۴۰ ش.
- سامی علی، نقش ایران در فرهنگ اسلامی، انتشارات نوید، چاپ اول، شیراز، ۱۳۵۶ ش
- طریحی فخرالدین، مجمع البحرین، کتاب فروشی مرتضوی، تهران، چاپ ۳، ۱۴۱۶ ق.
- طهرانی محمد حسین، رساله لب اللباب، نشر حکمت، تهران، بی تا.
- عابدینی نصیر، نقش عزاداری محرم داری جنسی دانشجویان پسر دانشگاه های تهران، مجله روان شناسی و دین، سال سوم، بهار ۱۳۸۹.

عاملی شیخ حر، تفصیل وسایل الشیعه، موسسه آل البيت علیه السلام، قم، ۱۴۱۴ ق.

فاطمه جان احمدی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، نشر معارف، قم، ۱۳۹۰ ش.

مهیمنی محمد، گفتگوی فرهنگ ها و تمدن ها، نشر ثالث، تهران، ۱۳۸۴ ش.

نوابی نژاد، شکوه، راهنمایی و مشاوره گروهی، تهران، سمت، ۱۳۸۹ ش.

